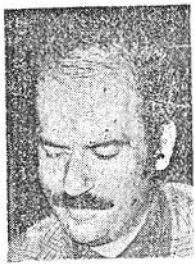


ختر امروز



سعید آریان



حید توکی



عباس مفتاحی



مسعود احمد راده

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی

مقره سازمانهای جنبه ملی ایران در خارج از کشور (بخش خاورمیانه)

حسین پور ۲۴ سال دوم

اسفندماه ۱۳۵۰

ستاوردهای انقلابی

موجود در جامعه و ازدیاد بیداری وجدان انقلابی خلق تأکید میشود .

اقتصادی و نظامی باید انجام داد . جدا ساختن این اشکال مبارزه که در شرایط کنونی تفکیک ناپذیرند ، تنها میتواند حاصل پر حرفی های نفرت انگیز کسانی باشد که در بی عملی مطلق بسر میبرند .

چگونه میتوان دست مبارزه صرفا اقتصادی و یا صرفا سیاسی زد در حالی که دشمن مسلح به سرکوبی قهرآمیز هر گونه اپوزیسیون مینماید . ضربه اقتصادی و سیاسی را تنها توسط عمل نظامی میتوان وارد ساخت . اکنون عمل نظامی ماهیتی سیاسی دارد و جدا ساختن این دو عمل سیاسی و عمل نظامی حاکی از درک نادرست مبارزه است . تنها در زمینه عمل مسلحانه پیشاهنگ و همراه با ریشه گرفتن ، گسترش یافتن آن است که سایر اشکال مبارزه امکان پذیر میشود . اپورتونیست ها ، پیشاهنگان انقلابی خلق را که مبارزه مسلحانه دست زده اند به ماجراجویی و بنوعی جدائی میلیتاریستی از توده ها متهم میکنند . آنها همچنین پیشاهنگ

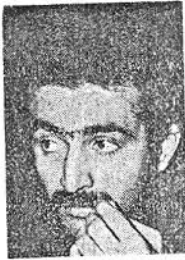
(در صفحه ۳)

بکمال حماسه آفرین از واقعه سناهاکل میگذرد . سالی از خیزش پیشاهنگان انقلابی خلق ، بریز از کوشش های ایران قدر و درس آموز فرزندان خلق و برخورد های مسلحانه او و کشتن سالی با رهنمود جدید و تاریخ ساز و خروش بهرنگر و اولاد برجسته ترین عناصر انقلابی و در پیشاپیش آنان مینویسند . سالی که توجیه بی عملی در عمل ، نفی و تردید ناپذیر شد و قسمتی از توان انقلابی خلق منعکس در عمل شده است . آغاز مبارزه مسلحانه تنها راهی جدید و نشان دادن یکی دیگر از اشکال مبارزه بلکه تجسم تنها راه ممکن انقلابی و نشانه عمق و تغییر بی غمی ، دید درستی از انقلابات عصر ما و شناخت دقیقی شرایط امروز میهن ماست . نبرد پیگیر پیشاهنگان ایرانی و تدارک موثر جنبش توده ای و مسلحانه خلق جریتر و پیش جریان داشته و اضمحلال بینش تسلیم طلبی و منفی را که سلاح مسموم دشمن است موجب میگردد . ما بهر مبارزه آخرین بیانیه چریکهای فدائی خلق در این رابطه اعتقاد داریم .

نکار عملی چریکهای فدائی خلق :

شرایط اجتماعی ، اقتصادی کنونی ایران مبادرت به مبارزه مسلحانه از طرف پیشاهنگان انقلابی خلق ضرورتی را از طرف ما ناپذیر یافته است . اساسا پیشاهنگی با دست زدن به کشته نترس مسلحانه تعریف میشود و وجودش جز از این طریق را از طرف ما ناپذیر یافته است . مبارزه اکنون ضرورتا سیاسی و فعالیتی است ، این دو جنبه ، جنبه سیاسی و جنبه نظامی ، فعالیت های ارگانیک و جدائی ناپذیر دارند . مبارزه سیاسی اردن چون برای تحقق بخشیدن به هدفی سیاسی را تعقیب میکند ، ی ۳۹ - بگردد ساختن حکومت دیکتاتوری ارتجاعی و استقرار تحقیقات خلق . مبارزه نظامی است زیرا تحقق بخشیدن باین ایران که بدون توسل به سلاح ناممکن است . در شرایطی که خصوصیات دیکتاتوری تمامی نیروهای سرکوبش را بمنظور ساختن جنبش های آزادی بخش در نهایت خشونت بکار برد ، در شرایط نبودن کمترین دموکراسی و بیشترین انکسار ، در شرایطی که ضد انقلاب با تجاری که در دستیز بر شکل کلاسیک مبارزه کسب نموده با تمام توانش به مقابله با جنبش آزادی بخش می نماید ، طرح تز مبارزه صرفا سیاسی از اپورتونیسم بیکرانی است . نتیجه عملی این تز عملی است .

اپورتونیست ها با عنوان کردن این تز در واقع به توجیه بی خود میپردازند . دسته ای دیگر از فرصت طلبان ادعا میکنند که مبارزه را بطور جداگانه در زمینه های سیاسی ،



اسدالله مفتاحی



مجید احمد زاده

در خلق ،

قهرمانان زنده اند

در شهر غمگینی که هدیه از برای مردم دلتنگ از کاخهای دور یا نزدیک هر روز در کیهان صدای بلب و نارنجک پاشیدن خون برادر هایمان بر خاک آوای زنجیر و صدای پای زندانی است . آدم چگونه میتواند دست روی دست بنشیند ؟ (کوش آبادی)

روز ۱۱ اسفند ۶ دلاور از چریک های فدائی خلق به چوبه های میدان تیر بسته شدند . زندگی و مرگ حماسه آفرین چریکهای فدائی خلق ادامه همان کوشش های انقلابی (در صفحه ۲)

بیانیه سیاسی سازمان

مجاهدین خلق ایران

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران « این حق مسلم ستمدیدگان است که بنبرد برخیزند و خدای پروری آنان تواناست »

خلق شرافتمند ایران

سالمات میهن ما در چنگال استعمار قدیم و جدید اسیر است . سالمات که ثروت های مادی و معنوی کشور و ملت ما از طرف امپریالیست ها و سرمایه داران جهانی نوکران داخلی آنها بتاراج رفته است . سالمات که رنجبران میهن ما با تلاش روز افزون خویش و علیرغم منابع و امکانات طبیعی فراوان کشور در فقر و بیچارگی بیشتر فرو رفته اند . تمامی برنامه های اصلاحی رژیم شاه که چیزی جز خواستهای اربابان امپریالیستش در استعمار بیشتر مردم ایران در شهر و روستا و جز بعنوان اقدامی ضد انگیزه ای نبوده نه تنها کوچکترین دردی از مردم را دوا نکرده بلکه مشکلات تازه ای نیز برای آنها فراهم نموده است . هر روز زنجیر هائی که بدست و پا و اندیشه مردم بسته شده سنگین تر گردیده ، امپریالیست ها و عمال خائن آنها همواره نقشه های تازه ای برای استعمار و عقب نگه داشتن بیشتر مردم کشیده ، اجرا میکنند .

۵ - مقبول
۹ - مکانیک
۱۱ - م
م پیش
حسین پور
استند شد
شروع شد
رده است
استند شد
فق به دبیر
ایران
او و کشتن
به رنگر
مینویسند
تردید ناپذیر
لن پرست
را ادامه
بلکه تجسم
فونی ، دید درستی
شرایط امروز
ای و تدارک موثر
پیش جریان داشته
را که سلاح مسموم
اعتقاد داریم
نکار عملی
هند داشت
شرایط اجتماعی
مبارزه مسلحانه
جبهه ملی ناپذیر
کشته نترس
را از طرف ما
دهای دبیر است
فعالیت های ارگانیک
اردن چون برای
ی ۳۹ - بگردد
تحقیقات خلق
ایران که بدون
خصوصیات دیکتاتوری
ساختن جنبش های
برد ، در شرایط
انکسار ، در شرایطی
مقابله
با جنبش آزادی
سیاسی
عملی این تز
اپورتونیست
خود میپردازند
ادعا میکنند
مبارزه را

قهرمانان زنده اند

سپاهکار فرورمان را شده ایم درک این نکته که «انقلاب کار توده‌هاست و نه کار ز استوار برمی کوچک» متهم می‌سازند. تمام این اتهامات آن دادن پروتئست‌ها تلاش بحیالنه و مزورانه‌ای است بنظور ست. خوره بوشی ضعف‌ها و بی عملی دردناکشان. در اینکه «انقلاب مستند و ارزنده‌هاست» هیچکس تردیدی نکرده است مسئله ون اساسیست که «چگونه میتوان انقلاب را بر پا ساخت؟» وظیفه کرده و برمی انقلابی که در شرایط کنونی اهمیت روز افزونی ادن‌ها برآید «بر پا ساختن انقلاب است». بجرکت در آوردن بشریت تا بیل خیزشی نهان در توده‌هاست. دقیقاً اینجا است که پای ز تصور انقلاب و عمل در واقع بی عملی فرصت طلبان، چوبین از آب ت موج برمی آید. پیشاهنگ با مبادرت بعمل مسلحانه با نشان دادن بخ و چوبی بیکرانی که در توده‌ها نهفته است و گوشه‌ای از آن می‌سازد بر عمل انقلابی پیشاهنگان خلق تجسم یافته با وارد ساختن آرا بری بران پیگیر بر دشمن و بدینگونه نشان دادن ضربه پذیری دست برورد در هم شکستن غولی که دشمن از خود در اذهان توده‌ها نسبا باخته است، میتواند وظیفه تاریخی خطیرش را بانجام رساند. اوت در مبارزه تنها در خلال عمل مسلحانه پیشاهنگ است که ابعادی نی خودزای می‌یابد. یکسال از آغاز مبارزه مسلحانه توسط آن کسب یکپای فدائی خلق میگردد و ما اکنون به جمع‌بندی ای فوران و نتایج آن میپردازیم.

تأثیر این عملیات بر روی طبقات و اقشار اپوزیسیون اد کنش توت و تحریک پتانسیل انقلابی آنان بوده است. بازتاب مبل ثبات ذهنی این عملیات بر روی کارگران بصورت ع از بی انتصاب قهرمانان کارگران جهان چیت نفوذ پیدا میکند، یست که طی آن کارگران با تشکل و یکپارچگی که در چند سال ن و موبوبی سابقه بوده است به اعتراض و مخالفت با استوار و ریخ و وحشانه سرمایه‌داری کمپرادور و بوروکراتیک ای ماب بر دزدانند.

حکومت ارجماعی در سرکوب هرچه قهر آمیز تر اعتصاب طهای درنگ ننموده کارگران را به رگبار مسلسل درخیمان نه و بسیاری را کشته و زخمی میکند. خلق ایران هرگز این جنایت را از یاد نخواهد برد. خون یکشان، بی‌موده بر خاک ریخته نشده. این خون نطفه خشمی در اذهان پرورده است که نتیجه عملی عظیمش را در تکرار و تداومش بی‌سار خواهد آورد. مبارزات مسلحانه انشوش را در مجامع دانشجویی بشکل اوج گیری بسابقه تضابات دانشجویی میگذازد و ما در سال گذشته شاهد های برشورترین حمایت و جانبداری دانشجویان قهرمان از عملیات چریکی بوده‌ایم. دشمن اینجا نیز بنظور سرکوبی موج افراض به قهر آمیزترین شیوه‌های ضد انقلابی توسل جسته است. مزدوران رژیم شاه، این جانور خویان وحشی که بهیچ چیز جز ارضاء تمایلات پست خود پایبند نیستند به خشونت برترین اعمال بر علیه دانشجویان بیدفاع دست زده‌اند. وسیع‌ترین دستگیری‌ها و پیگردها، سخت‌ترین شکنجه‌ها و آزار بر آنها اعمال گشته است. لیکن تمام اینها تنها مسبب افزایش خشونت در مبارزات دانشجویی شده، یکدم دانشجویان مبارز را از ادامه راه مقدشان باز نداشته است. نام افشار و طبقاتی که تا دیروز هیچ چیز جز گرفتارهایشان و مطالبی که بدانها میشود نداشته‌اند که بدان بیانیدشند. این فضای ذهنی که بتدریج حمایت معنوی هر چه بیشتر توده‌ها را جلب میکند، در افزایش کمی‌اش به تغییر کیفی می‌انجامد. این تغییر کیفی است که حمایت معنوی توده‌ها را به حمایت مادی مبدل میکند. عمل مسلحانه «چریک‌های فدائی خلق» نزد گروه‌های صادق بمثابة، هنمودی برای آغاز مبارزه مسلحانه بوده است. ما اخیراً شاهد عملیات متهورانه‌ای توسط رفقای قهرمانان در ساوگر و ده‌ها بوده‌ایم. چریک‌های فدائی خلق، ضمن

شناخت چریک‌های فدائی خلق از فن چریک‌شهری تکامل یافته است و در جریان عمل تجربه کسب نموده و آبدیده شده اند. بدینگونه اثر درونی یکسال مبارزه مسلحانه ارتقاء شناخت و تجاربی بوده است که در ادامه پروزمندانہ عملیات و اجتناب هرچه بیشتر از خطاهای تاکتیکی نقشی تعیین کننده دارند. عمل مسلحانه سهمگین‌ترین اثرات را بر دشمن نهاده است. چریک‌ها که قدرتی تهاجی در برابر حکومت فاشیستی‌اند و نه قربانیان بی آزار آن، با وارد ساختن ضربات پیگیر بر نقاط ضعف دشمن وجود خود را در سطح جهانی بشوت رسانده تعادل سیاسی دشمن را بر هم زده «دریای آرامش» ادعائی شاه را به «دریای طویانی» تبدیل نموده‌اند. دستگاه تبلیغی شاه که تا دیروز در «دریای آرامش» راه می‌پیمود در «دریای طوفانی» امروز کشتی شکسته‌ای پیش نیست و تلاش سرنشینان طوفان زده‌اش بنظور مخفی نگاه داشتن عملیات چریکها و «خیالی قلمداد کردن آنها» بتلاش مغرورقی می‌یابد که از سر ناچاری بهر گاهی توسل جسته است. ضربات اقتصادی از طریق مصادره بانک‌ها و تهدید سرمایه‌های بیگانه صورت می‌پذیرد. چریک‌ها با مبادرت مصادره بانک‌ها نه تنها نیاز مالی جنبش چریکی را با تصاحب از آنچه که توسط حکومت از خلق ربوده شده مرتفع می‌سازد، بلکه با این عمل خود سیستم پولی را که همچون سیستم عصبی دشمن است، مورد تهدید قرار میدهد. سرمایه‌داران بیگانه نیز که سرمایه خود را در معرض نابودی توسط عمل انقلابی چریک‌ها می‌بینند از سرمایه گذاری در ایران خود داری نموده بدین ترتیب ضربه اقتصادی سنگینی متوجه دشمن میشود. تشدید تضادهای داخلی ارتش و بوروکراسی از جمله اثرات عمل مسلحانه بر دشمن است. در سال گذشته نیروهای سرکوب، خاصه شهرانی و سازمان امنیت و ژاندارمری بارها تجدید سازمان شدند و با هر ضربه سنگین چریک‌ها کادرهای بالا تغییر یافته‌اند. لیکن هیچکدام از این اقدامات نمیتوانند منشاء اثری باشند. فشار بر کادرهای پائین بشدت افزایش یافته است. اکنون افراد دون پایه پلیس، خاصه پاسابنا که تنها بعلت فشار اقتصادی بخدمت ننگین پلیس استعماری در آمده‌اند مظالم حکومت دیکتاتوری را با پوست و گوشت خویش لمس میکنند. بسیاری از این افراد استغفاء نموده‌اند، لیکن شهرانی استغفای آنان را نمی‌پذیرد. بدینگونه چریک‌ها با وارد ساختن ضربات سیاسی و اقتصادی و با تشدید تضادهای داخلی ارتش و بوروکراسی و تضادهای تاکتیکی حکومت دست نشانده شاه خانن با اربابان غارتگر خارجیش بجرانی عمومی در دستگاه‌های حکومت ارجماعی پدید آورده‌اند. بجرانی که شدتی روز افزون دارد. اثرات هم جانبیه عمل مسلحانه پیشاهنگان تأیید عملی صحت تئوری مبارزه مسلحانه است. عمل تنها ملاک حقیقت است و این ملاک عمل مسلحانه را در شرایط کنونی ایران بمثابة یک حقیقت تأیید میکند. پتانسیل تجربه یکساله چریک‌های فدائی خلق چشم انداز روشنی را در مبارزات مسلحانه ایران نوید میدهد. اکنون مهم ترین وظیفه‌ای که در برابر گروه‌ها و افراد مبارز قرار دارد مبادرت به مبارزه مسلحانه با تمام امکاناتی است که در اختیار دارند. هرآینه تمام گروه‌ها و افراد مبارز باین فوری‌ترین و انقلابی‌ترین وظیفه تاریخی خود پاسخ عملی دهند، مبارزه مسلحانه در ایران شکست نا پذیر خواهد شد.

گروه‌های صادق انقلابی برای آغاز مبارزه مسلحانه باید اعتماد بخود کسب کنند. آنچه این گروه‌ها را در آغاز نمودن مبارزه مسلحانه مانع میشود تردیدی است که از عدم شناخت جنگ چریکی ناشی میشود. این شناخت تنها در جریان عمل تکامل می‌یابد و از اینرو این تردید در جریان عمل است که از این مانع می‌گردد. اساس یک فداکار، شجاعت، شجاعت

پروسه‌ای تکامل پذیر است. تکامل تنها در حرکت ممکن میشود توقف مرگزا است. اگر میخواهم پیش برویم باید آغاز کنیم. آغاز کردن شرط ضروری پیشرفت است. هراس از برداشتن دومین گام نباید مانع از برداشتن اولین گام شود. بیایید با آنچه اکنون میدانید اولین گام را استوار بدون کمترین هراس و تردید برداریم چشم اندازی که با برداشتن اولین گام در مقابلمان کشیده خواهد شد شرایط برداشتن دومین گام را فراهم خواهد ساخت. گروه‌های انقلابی همچنین باید خود را بدید سیاسی - نظامی مجهز سازد. این گروه‌ها که غالباً منشاء روشنفکری دارند و در شناخت خود عناصر یک دید سیاسی غلبه دارد باید در جهت ایجاد یک دید سیاسی - نظامی گست کاملی در نحوه شناختشان ایجاد کنند. این گست بیش از پیش در جریان عمل صورت پذیر خواهد بود. اکنون بار دیگر باید دیدمان را با مقتضیات یک مبارزه سیاسی - نظامی بگسمل. تمایل «ابتدا گسترش کمی گروه بطریق سیاسی و سپس آغاز مبارزه مسلحانه حاکی از نحوه شناخت سیاسی است». بان تمایل که در سطح درونگری انقلابی بنظر میرسد در عمیق محافظه کاری اپورتونستی است. تدارک و گسترش امکانات مبارزه از جمله گسترش کمی گروه وظیفه انقلابی هر گروه پیشرو است لیکن این گسترش با بیشترین و موثرترین بازده از طریق تأثیرات عمل مسلحانه ما امکان پذیر خواهد شد. بر حورد گروه‌های انقلابی دارای منشاء روشنفکری با مسائل جنبه استراتژیک دشمن نباید سبب شود که بدو از نظر تاکتیکی کم بها دهیم. آنچه در تئوری بیان میشود طرح کلی روندی است که طی آن انقلاب تحقق می‌یابد. آنچه در عمل صورت می‌پذیرد پروسه پیچیده و طولانی دارد. مبارزه در روند طولانی اش آکنده از افت و خیز و سرشار از شکست‌ها و پیروزی هاست. هم از اینروست که هشاری و پیگیری در مبارزه ضرورتی تعیین کننده می‌یابند. ادامه کاری این گروه‌ها در گروه‌های و پیگیری آنهاست.

تا وقتی که عمل می‌کنیم ارتکاب به اشتباهات تاکتیکی که شکست‌های تاکتیکی را بدنبال دار محتمل است. اجتناب از اشتباهات تاکتیکی تنها با عمل نکردن میسر است و دقیقاً این فرصت طلبان بی عمل هستند که با هر شکست تاکتیکی پیشاهنگان مسلح جار و جنجال راه می‌اندازند و میکوشند که شکست‌های تاکتیکی را شکست استراتژیک و آنچه را که موقتی است نهائی قلمداد کنند. کسب پیروزی نهائی بی آنکه شکست‌های موقتی در کار باشد تنها میتواند در ذهن خیالباف فرصت طلبان بی عمل بگنجد و تنها فرصت طلبان هستند که سنگ چنین پیروزی را بسینه می‌زنند. بگذار اینان در اطاق‌های دربسته‌شان به نوحه سرائی زبوانه خویش ادامه دهند. انقلاب راهش یافته است. شروع انقلاب آغاز مبارزه مسلحانه توسط گروه‌های پیشرو است. وظیفه انقلابی - تاریخی خطیری همچون «بر پا ساختن انقلاب» خالی از خطر نیست. در راه بر پا ساختن انقلاب باید باستقبال خطر رفت. هشاری و فراست و ثور و بیباکی، از خود گذشتگی و فداکاری عناصر ضروری برای آغاز این راه طولانی و پر خطرند. تحقیق انقلاب اینک نیاز به «فدائی» دارد. در آغاز نمودن مبارزه مسلحانه لحظه‌ای در ننگ لحظه‌ای تردید خطاست.

ما یقین داریم که خونهای ما بیداری خلقی خواهد بود که تحت فشار و اختناق ضد انقلاب از مبارزه باز داشته شده است. با این یقین است که در خلال مبارزه برای مرگ آغوش گشاده ایم. اگر خون قادر به بیداری خلق است بگذار از خونمان رودخانه‌ای خروشان جاری شود. مرگ بر امپریالیسم.

مجاهدین خلق

هسته اولیه سازمان ما که هم اکنون برای اولین بار نام آنرا فاش میکنیم در ۶ سال قبل و با شرکت برخی از کادرهای سابق نهضت آزادی ایران که پس از زندانی شدن سران مؤمن و فداکارش دیگر فعالیتی نداشت - پس از انتقادی اساسی نسبت به شیوه مبارزات گذشته ، بشکل مخفی بنیاد یافت . از همان بدو تشکیل با استفاده از تجربیات ارزنده تاریخ مبارزات خلقهای انقلابی جهان عموماً و خلق خودمان خصوصاً و همچنین با بررسی و تحلیل علمی شرایط جامعه ایران باین حقیقت پی برد که :

اولاً در شرایط کنونی تضاد اصلی و آشقی ناپذیر جامعه ما را تضاد بین توده‌های خلق از یکطرف و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و رژیم دست نشانده شاه از طرف دیگر تشکیل میدهد. ثانیاً بخاطر پیروزی در مبارزه ضد امپریالیسم بسیج همه رنجبران و ستمدیدگان خلق امری ضروری و اجتناب ناپذیر است .

سازمان ما در روشنائی این دو اصل اساسی ، شیوه مبارزه مسلحانه توده‌های را بعنوان تنها راه کسب آزادی و نابودی استعمار انسان از انسان ، انتخاب و دنبال نمود و از آنروز تا کنون تحت شکل سازماندهی کاملاً مخفی و در پرتو فداکاریهای خلق و فرزندان پیشتاز آن و با سعی در بکار گرفتن حد اکثر امکانات موجود و با برقراری ارتباطات عمیق انقلابی با جنبش پیشرو منطقه یعنی انقلاب فلسطین موفق گردید علیرغم شرایط پلیسی ایران در زمینه‌های نظامی و انقلابی تجارب ارزنده‌ای را کسب نماید . این تجربیات بنوبه خود ، ما را در طول این مدت در پذیرش این امر راسختر ساخت که شرایط عینی جامعه ایران بخلق ایران و بما که از درون او برخاسته و در دامنش رشد یافته‌ایم اجازه میدهد که بمبارزه قهر آمیز علیه امپریالیسم و مرتجعین داخلی بسرکردگی شاه بپردازیم و دشواریهای این راه را آگاهانه تحمل نمائیم . سازمان ما در آینده بتدریج و در جریان عمل انقلابی ، تجربیات خود را که در این فاصله کسب کرده در اختیار کلیه رزمندگان انقلابی ایران که متقابلاً به دست آورد هایشان سخت نیازمند است قرار خواهد داد .

دستگیری بیش از ۷۵ نفر از برادران رزمنده ما - از تاریخ اول شهریور ماه ۵۰ تا کنون - اگر چه در چنین شرایطی از مبارزه برای ما ضربه‌ای سنگین و ناگوار بود ولی واقعت خدشه ناپذیر این است که هیچ خلقی بدون فداکاری به آزادی دست نیافته است . زحمت و فداکاریهای جوانان مجاهد خلق چه رزمندگان قهرمان سیاهکل که پیش از ما جان خویش را در این راه فدا کرده‌اند و چه برادران ما و چه دیگر رزمندگان ، هرگز پدید نخواهد رفت . بدون شك دستگیری این فدائیان خلق ، ما و سایر نیروهای رزمنده را از لحاظ تجربه انقلابی غنی‌تر ساخته در برابر مسائل و دشواریهای مبارزه آبدیده تر و مصمم‌تر خواهد نمود . عملیات انقلابی ای که در جریان دستگیری های اخیر و یا پس از آن بوسیله رزمندگان خلق انجام گرفت خود گویای این واقعت است که علیرغم ادعاهای باطل و سراسر دروغ رژیم دستگیرها ، زندانها ، شکنجه‌ها ، اعدامها و کشتارهای غیر انسانی پلیس شاه هیچگاه قادر نخواهد بود مبارزه خلق ما را متوقف سازد . مبارزات تمام خلق های انقلابی جهان نشان داده است که «تجربیات انقلابی در خون و آهن نوشته شده» و مبارزه ضد امپریالیسم اگر چه راهی است طولانی و دشوار ولی از آنجا که راهی است عادلانه و برحق حتماً به پیروزی خواهد رسید . مهم این نیست که ما خود شاهد این پیروزی باشیم « اگر دست‌هائی باشند که پس از ما سلاح برگیرند ، اگر گوش‌هائی باشند که ندای ما را برای مبارزه پذیرا شوند

و اگر در مراسم تشییع ما غریب مساسل‌ها و طنین گلوله‌ها بلند باشد ، گو مرگ در رسد ، هر جا و هر زمان که باشد ، گو مرگ در رسد .

حاصل تجربیات خود ما و دیگران در مجموع بما چنین می آموزد که در شرایط فعلی ، هر گونه کوشش در بسیج و آگاهی مردم از طریق سازمانها و احزاب سیاسی و جدا از عمل نظامی ، اولاً در شرایط پلیسی ایران که هیچگونه آزادی دموکراتیک وجود ندارد ، ممکن نیست ثانیاً از آنجا که گوش خلق ما از برنامه‌ها و هدفهای سیاسی اعلام شده‌ولی تحقق نیافته پر شده دیگر مجال آن را ندارد که صرفاً حرف بشنود و در کنار آن شاهد قدرت نمائی دشمن و ضعف خود باشد . چگونه میتوان باس خلق را از هر گونه مبارزه پیروز از میان برد؟ چگونه میتوان او را به قدرت پایان ناپذیر خود و پوشالی بودن قدرت دشمن معتقد ساخت ؟ تنها در خلال عمل و پویائی بودن قدرت دشمن ساختن به دشمن خواهد بود که خلق مسلحانه و ضربه وارد ساختن به دشمن خواهد بود و هم به توانائی خود و ضربه پذیری دشمن پی خواهد برد و هم رزمنده انقلابی در شرایط پلیسی حاکم امکان تماش با عامل عمده بقای جنبش یعنی کارگران و دهقانان و جذب آنها در عمل انقلابی را ، پیدا خواهد کرد .

بر این اساس ما عقیده داریم که هم اکنون باید کلیه نیروهای انقلابی خلق در گروه‌ها و سازمان‌های مستقل به عملیات مسلحانه خود بر علیه دشمن ادامه دهند . آنها فقط در میدان عمل فرصت آنرا خواهند یافت تا با برخورد نظرانشان از تجربیات یکدیگر استفاده نموده زمینه را برای ایجاد یک جبهه متحد ملی فراهم نمایند .

ما همچنان که در برابر قدرت و ایمان خلقمان و در برابر شهیدان و عزیزانی که شجاعانه در میدان نبرد جان باخته و یا در زیر شکنجه‌های آدمکشان رژیم پلیسی شاه مقاومت میکنند سر تعظیم فرود می‌آوریم ، با بدوش گرفتن سلاح آنان و ادامه راهشان با خلق خود پیان میندیم که در کنار او و بکمک او در راه رهائی ایران از قید امپریالیسم جهانی و نوکر دست نشانده شان شاه خائن جان خویش را فدا کنیم و یقین داریم که این راهی است که سر انجام آن پیروزی خواهد بود .

زنده باد وحدت توده‌های رنجبر و انقلابی ایران .
سر ننگون باد حکومت پلیسی و جنایت پشه شاه .
بر افراشته‌باد پرچم نبرد دراز مدت خلق علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و عمال آنها .
درد آتشین به کلیه شهیدان و زندانیان خلق .

سازمان مجاهدین خلق ایران
۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۰

قهرمانان زنده‌اند

برای آزادی بشریت است که امروزه در آسیا و امریکای لاتین و افریقا متجسس در ارتش‌ها و گروه‌های چریکی در رو درروئی با امپریالیسم و ارتجاع جهانی با همه قربانیهای سهمگین پیش می‌رود و تاریخ تصدیق کننده آن است .
روز ۱۱ اسفند یک مدرک دیگر از اشق ناپذیری توده های تحت ستم جهان و یک نمونه دیگر از محتوی نوین زندگی انسانهایی است که بعنوان پیشاهنگان جنبش‌های رهائی بخش از پای نمی‌نشینند و برای دفاع از ستمکشان و تحقق خواسته‌ها پشان مرگ را پذیرا میشوند . ۶ دلار از چریک های فدائی خلق و همه چریک های رزمنده مین ما بعنوان « جزء کوچکی از ارتش رنجبران » جهان بدرستی در یافته‌اند که « وقتی سرنوشت بشریت در میان است از خطر مرگ هراسی نباید داشت . خون گرم ۶ دلار گواه بر اعتقاد تزلزل ناپذیر به آزادی زحمتکشان گیتی ، به آزادی مین ما و نابودی

حتمی ارتجاع جهان است . با چنین بینشی دلوران سپاه نبرد مسلحانه را علیه رژیم سفاک شاه ، مزدوران فرود امپریالیسم آغاز کردند و آگاهانه مرگ را پذیرا شدند . آنان میدانستند که هرگز آزادی زحمتکشان از اشق ناپذیری آزادی خلق از ستم و غارت امپریالیست‌ها بدون نبرد نیست . قربانیهای فراوان و جانفشانی‌های بشمار ممکن نیست . ده پوشی را در مقابل مردم مین ما و بشریت متعهد دانستند . توده‌ها تعهد مضمون کلی زندگی هر انقلابی است . مضمون نیست که نبردی را که گروه‌های پیشاهنگ خلق آغاز کردند یعنی انقلابی بستر جریات پر تلاطم مقاومت‌ها و قربانی دادند بیاید » جانفشانی‌ها پیش می‌برند آزادی انسان ، آزادی بشریت انسیل خیر ظلم و استعمار است . از جان گذشتگی مبارزان از تصدلال و سطحی و رویاها مایه نمی‌گیرد . درک دقیق مناسبات را می‌آید . و سیر آن در بستر تاریخ ، درک قانونندی تاریخ و پیروی بیک جنگ‌های طبقاتی است که ایمانشان را بمبارزه محکم عمل انده زندگیشان را محتوی جدید میبخشد و خطر مرگ را بر سر برات پی میگرداند . هرگاه انسانی باین مضمون عظیم دست برد و در هر چگونگی میتواند بخود بباندد ، بهر اسد ، بی اعتنا ساخته است خود را مبارز و مترقی باندان ؟ این است تفاسون مبارزه تنها انقلابیون با عناصر متظاهر و مدعیان پرگو و « ترقی ددهای می و این است تفاوت زندگی یک انقلابی با زندگی همه آن چریکهای که از شناخت تاریخ و مقوله انسان دم میزنند و برای ارات و نت بینش عقب مانده و خودپرستانه با تأثیری ساختگی ، تأثیر ا دارند مرگ این دلبران را شکست راهشان قلمداد میکنند . در جامه همه پسند « عالمانه » و ابراهای « علمی » ، تبلی تأثیرا نظریاتی میشوند که در هسته اساسی چیزی جز دفاع از مناصب و تمکین و تسلیم و رضا و « تعرض نکنم تا باقی بمانم » نیست . طای آر این نقطه نظر و با درک حرکت عظیم تاریخ ، زندگی و تجربی بی هزاران دلاور ویتنامی ، کره‌ای و پارتیزانهای امری نظام و لاتینی ... درس آموز همه انقلابیون و راهنای زندگی می‌شود . ما اینسان را در خلق ، در صدها دست که سلاح برگزیده حکو این نبرد تاریخی قدم گذاشته‌اند زنده مینیم . این دهقانان و کارگران در بند خلق‌های تحت ستم جهان خست و زیست . اگر زندگی انسانهای آگاه در چنین محتوی گذاری نشود چه حاصلی دارد ؟ « این عرض زندگی را معیار سنجش انقلابیون جهان ، پیشاهنگان نبرد ضد و ضد امپریالیستی و خلقهای جهان است نه طول آن و گفته های یکی از مجاهدین ایران) و تنها با درک این تاریخ و رابطه آن میتوان باین معیار ارزش دست بانگ عباس مفتاحی را درک کرد که در دادگاه مصمانه ابراز میدارد « اگر آزاد شوم بار دیگر همین را از اسر خواهم گرفت و ادامه خواهم داد » . زند کارگران و دهقانان فقیر مین ما در زیر فشار اقتصاد سیاسی جان میکنند و آزاد مردان در بند جلدان ما میدهند چگونه میتوان دست بروی دست شاهده بود و زیر لب زمزمه‌های مترقی کرد و انتظار روز ماند ؟ چگونه میتوان بخود اندیشید و آزار پارتیزان های امریکای لاتین ، ویتنام ، اریتره ، فلسطین ... را نشنید و در لباس محفل پسند زحمتکشان بزرگ پیشاهنگان خلق‌های جهان تهن خورد ؟ کشتار مبارزان در میدان‌های تیر ، در فضای د بر سر کوی و ببرزن نشانه یک رو در روئی تاریخی گذشت از خود اینان در کنار همه انقلابیون گن را جلب است بر تصمیم خلق‌های جهان و خلق ما برای ساختن جامعه . خالی از ستم طبقاتی .

اینان تجسم اراده میلیونها انسانند و از این اراده گروه است که رژیم وحشت دارد و بمرگشان کمر می‌بندد . این دلوران را تنها بستنیم بلکه باید از آنان سرمه قهرمانان مبارزه را بشویم .